



تک شماره ۱۵ ریال

امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی انقلاب ایران

نظامی امریکا با رژیم شاه مخلوع، ارتش ایران را به صورت یک ارتش مستعمراتی درآورد. سازمان آدمکش امنیت‌شعبه‌ای آژوداژ جاسوسی و پلیسی امریکا اسرائیل بوده‌شکنجی‌گران و آدمکشان این سازمان بوسیله کارشناسان امریکائی و اسرائیلی آموزش میدهند و با شرکت وزیر نظر آدمکشان حرفه‌ای امریکائی هزاران نفر از بهترین فرزندان میهن‌ماران را شکنجه بقیه در صفحه ۴

به حساب درآمدهای ملی مردم ایران به پایگاه نظامی امریکا تبدیل ساخت، و با اجرای سیاست نظامیگری و خریدهای کلان تسلیحات برای سرکوب مبارزات حق طلبانه خلقهای ایران و جنبش‌های رهایی بخش ملی در منطقه نقش ژاندارم را ایفاء نمود.

کودتای نظامی و ضد ملی ۲۸ مرداد، با شرکت مستقیم دواژ جاسوسی و مستشاران نظامی امریکا روی کار آمد، متجاوز از بیست و پنج سال بر جان و مال و ناموس مردم ماسله اهریمنی خود را برقرار نمود. این رژیم دست پرورده امریکا طی این این دوران، کشور ما را به تاراجگاه انصارات امپریالیستی تبدیل نمود و ثروتهای طبیعی میهن ما را در اختیار اربابان امریکائی خود قرارداد، کشور را

قطعه‌نامه سنای امریکامبنی بردفاع از عمال و کارگردانان رژیم طاغوتی و محکوم کردن احکام صادره از جانب دادگاههای انقلابی در مورد این جنایتکاران و خائنین ب مردم ایران، چهره کریه و ضد مردمی امپریالیسم خونخوار امریکا و خصومت و کین توزی این ژاندارم جهانی را نسبت به انقلاب مردم ایران نمایان ساخت.

روز جمعه نیز فریاد خشم مردم علیه امپریالیسم امریکا ادامه داشت



های انقلاب بیان داشتند. بنا بوعده‌ایکه داده بودیم از اولین تظاهرات مربوط بوزجمعه نیز اینک اطلاعاتی در اختیار شما میگذاریم. در راه پیمائی از میدان راه آهن تا پارک خزانه بنا بدعوت سازمان مجاهدین خلق ایران، دهها هزار نفر شرکت جستند. در میتینگ بقیه در صفحه ۴

مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران که روزهای متوالی تقریباً همه شهرهای ایران را تکان داد در روز جمعه نیز ادامه یافت. «مردم» در شماره پیشین خود جریان تظاهرات گوناگون شهرهای مختلف را تا آخر روز پنجشنبه با اطلاع خوانندگان خود رسانیده بود. شما میدانید که چگونه وابستگان به احزاب

مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران که روزهای متوالی تقریباً همه شهرهای ایران را تکان داد در روز جمعه نیز ادامه یافت. «مردم» در شماره پیشین خود جریان تظاهرات گوناگون شهرهای مختلف را تا آخر روز پنجشنبه با اطلاع خوانندگان خود رسانیده بود. شما میدانید که چگونه وابستگان به احزاب

اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی يك ضرورت تاریخی است

تظاهراتی که روزهای پنجشنبه و جمعه سوم و چهارم خرداد در سراسر ایران بمنظور اعتراض به قطعه‌نامه سنای امریکا انجام گرفت، بیانگر این واقعیت اساسی بود که اکنون دیگر چهره دشمن عمده و اصلی ایران، که میبایست تعیین کننده جهت اصلی مبارزه عمومی ما باشد، برای قاطبه مردم، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، روشن است. بهمین جهت فریاد مرکز امپریالیسم، مرکز صهیونیسم دستیار امپریالیسم، نابود باد امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم میهن ما در سراسر کشور طنین انداز بود. راه پیمائی‌های این دوروز تظاهراتی بود از خشم و نفرت عمیق تمام مردم علیه آن قدرت جهانی که بدست ایادی خود، حکومت ملی دکتر مصدق را ساقط کرد، محمدرضای تبهکار را بقدرت رسانید، سازمان جهانی ساواک را پایه گذاری کرد، نظام ترور و اختناق و شکنجه و کشتار را در میهن ما مستقر ساخت، ارزنده ترین جوانان ما را در زیر ضربه‌های شکنجه، یا در میدانهای اعدام نابود کرد، و در پناه اینچنین نظام طاغوتی و جهانی، با خیال راحت دهها میلیارد دلار از دسترنج مردم زحمتکش میهن ما را دزدیدند و در مقابل تا توانستند از پول خودما، دشمنان سوگند خورده داخلی ما را بر ما مسلط ساختند.

این دشمن اصلی را ما خوب میشناسیم. همه مردم حتی کودکان خردسال هم آنرا خوب میشناسند و میدانند که در مدتی بیش از ربع قرن چه بر سر ما آورده است.

این دشمن دچار ضربتهای سخت شده، مهمترین پایگاه خود را که دستگاه سلطنت استبدادی محمدرضا، باتمام ابزار جهانی‌اش بود، از دست داده و زخمهای دردناکی برپیکرش نشسته، اما هنوز از پای در نیامده و هنوز پایگاههای مهمی در اختیار دارد. هنوز عمال و جیره خواران آن در بین مردم و در اقطار و کثافت کشور پراکنده‌اند. اینها بیکار نمانده‌اند، بلکه باتمام قوای خود در تلاشند که انقلاب ما را از مسیر اصلی ضد امپریالیستی خود خارج سازند. حربه عمده آنها در این تلاش، پراکندگی نیروهای انقلاب است. و بهمین جهت آنچه بتوانند برای ایجاد تفرقه و جدائی بین این نیروها انجام میدهند، از «چپ» میتازند، از راست حمله میکنند، دست به حربه نفرت انگیز تروریزم میزنند، در کوچه پس‌کوچه‌ها، بمنظور ارباب مردم، آنها را ناچواراندرانه بگلوله می‌بندند. و همه اینها حکایت از آن دارد که دشمن بیدار و فعالانه مشغول کار و بیعت بترس سرگرم خرابکاری است، آنچه نه بنحو پراکنده، بلکه طبق یک برنامه حساب شده و از طریق یک سازمان منظم، که در آن از عناصر ساواکی تا عوامل سیاه اجتماعی و بازاریگان رژیم طاغوتی شرکت دارند، عمل میکنند. اینها را پولهای بیحسابی که بدست شاه و خاندان سلطنتی و انحصارات بزرگ و تاراجگر امریکائی از ما دزدیده و بیغما برده‌اند، اداره میکنند. با این پولهای بادآورده است که این دشمنان خلق از بین پست‌ترین و رذلت‌ترین عناصر وامانده برای خود سر بازگیری میکنند.

در برابر اینچنین دشمن قوی پنجه، کار آزموده، بیرحم و درنده‌خو، با کدام حربه موثر میتوان باید وارد عرصه‌ی نبرد شد؟ این حربه موثر برای اکثر سازمانها و گروههای سیاسی ناشناخته نیست - حربه اتحاد عمل در خطوط کلی و اساسی مبارزه، تمرکز نیروها علیه دشمن اصلی انقلاب، قطع نظر از اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک این نیروها. اینرا تقریباً همه گفته‌اند و میگویند و بر سر زبان همه است. در قطعه‌نامه‌های مختلف روزهای پنجشنبه و جمعه هم باین اصل عمده توجه شده است.

ولی با تاسف تمام دیده میشود که در بسیاری موارد نحوه عمل برخی از این گروهها، با آنچه که در زبان راجع بوحث و اتفاق میگویند و موعظه میکنند، بنحو فاحشی تناقضی دارد. بهتر است مثال را از تظاهرات دوروزه سوم و چهارم خردادماه انتخاب کنیم، تا روشن شود که وحدت و اتفاق کلمه و اتحاد عمل در مبارزه ضد امپریالیستی چگونه و بچه شکل نقض میشود و راهرا برای اختلافها و دودستگیها، که ما همواره سعی کرده‌ایم در دام آن نیفتیم، باز میگذارد. مطلب را باین سوال اساسی آغاز کنیم: هدف یگانه و اساسی این تظاهرات و آن انگیزه بنیادی که بار دیگر تمام مردم را در سراسر ایران بیدار راه پیمائی اعتراض آمیز کشانید، چه بود؟ پاسخ روشن است: دخالت بیدار راه پیمائی اعتراض آمیز کشانید، چه بود؟ پاسخ روشن است: دخالت بقیه در صفحه ۵

در کنفرانس استانداران چه گذشت؟ بدون برنامه و با معیارها و شیوه‌های دوران طاغوت پیشرفت میسر نیست

اولین کنفرانس استانداران سراسر کشور، پس از انقلاب، در ۲۵ اردیبهشت، «با کوله‌باری از مسائل و مشکلات و نیازمندیها» (وزیر کشور) در تهران گشایش یافت. در این کنفرانس مسائل متعددی درباره امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و نیازها و دشواریهای موجود در این زمینه‌ها، که تقریباً تمام مسائل و معضلات داخلی پس از انقلاب را در بر میگردد، مطرح گردید. با آنکه طرح این مسائل را میتوان خود بخود امری مثبت ارزیابی نمود، ولی این کنفرانس در پایان کار خود جز طرح پیشنهادها و توصیه‌هایی که بیشتر به‌امور جاری و موقت مربوط بود، کار دیگری نتوانست انجام دهد. دلیل آنهم این است که دولت آقای بازرگان، علاوه بر اینکه فاقد یک برنامه مشخص برای تحول بنیادی و یا ایجاد شرایط برای چنین تحولی است، هنوز خود را از بند قوانین و ضوابط و شیوه‌های دوران طاغوت‌رها نساخته و در عین حال مانند کسی عمل میکند که گویا از وضع ایران، نیازها، و دشواریهای آن بی‌اطلاع است.

آقای بازرگان در آغاز این کنفرانس خود را «کاپیتان کشتی در حال غرق» و استانداران را «سافرنی» فرض نمود که بدستور این «کاپیتان» سوار «قایق‌های نجات» شده و به «امان‌اله» سیرده میشوند. او میگوید: «ماموریت‌هایی هم که ما میدادیم... به همین صورت دادیم، یعنی به امان خدا... بدون اینکه ماموریت دهنده از کم‌وکیف مشکلات

و راه حل اطلاع کافی داشته باشد! استانداران که باین نحو برای نجات به دست خدا سپرده شده بودند، سه ماه پس از انقلاب، از ماموریت خود بازگشتند و «کم‌وکیف مشکلات و راه حل‌هایی را که ناخدای کشتی از آنها اطلاع کافی نداشت، در کنفرانس مطرح کردند. از سخنان استانداران معلوم میشود که در غیاب این «قایق‌نشینان»، «ناخدای کشتی» بیکار ننشسته و کارهایی کرده که نایب است انجام دهد و کارهایی نکرده که میبایست انجام دهد. استانداری همدان میگوید: «برنامه - بقیه در صفحه ۴

- ### رویدادهای ایران
- * حمله به کتابفروشیها
 - * استعفای آیت‌الله خلیلی و نگرانی مردم
 - * تلاش‌های سازنده در رادیو تلویزیون
 - * خواب‌شومی که امریکا برای ایران می‌بیند
 - * سفارتخانه‌ها لانه ساواک بوده
 - * تلاش ضد انقلابی خبر-گزاری‌ها

اطلاعیه

ما توسطه علیه جان حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی را محکوم می‌کنیم ا ما خواستار مقابله باتوطئه‌خطن‌ناک نیروهای متحد امپریالیسم و ارتجاع هستیم

یکبار دیگر عمال امپریالیسم و رژیم گذشته، بسرکردگی امپریالیسم امریکا مرتکب جنایت تازه‌ای شده‌اند و این بار حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی را هدف قرار داده‌اند. مادر عین اینکه از نجات جان حجة الاسلام رفسنجانی از چنگ این توطئه خائنه شادمانیم، معتقدیم که این حادثه یک بار دیگر ما را باید متوجه آن دسائس‌وسعی سازد که امپریالیسم و ارتجاع ایران، بسرکردگی امپریالیسم امریکاسازمانده‌آن هستند. این نیروها از هزار راه می‌کوشند تا انقلاب را از مسیر ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی خود خارج سازند و نیروهای انقلابی را بجان هم بیاندازند و باتوسل به تفتین، توطئه، شایه افکنی، تهمت‌زنی، ترور، تفرقه اندازی و امثال این نوع شیوه‌های ابلیسی، جو زهر آکنی ایجاد کنند و مانع آن شوند که مردم ایران در فضای سالمی قانون اساسی نوینی برپایه ملی و دمکراتیک تنظیم نمایند. ما از رهبری انقلاب، شورای انقلاب و دولت به نوبه خود خواستاریم که اقدامات خود را برای عقیم گذاردن توطئه عظیم و خطرناک نیروهای متحد امپریالیستی و ارتجاعی، بسرکردگی امپریالیسم امریکاد، چندین کند. ما از همه نیروهای انقلابی می‌طلبیم که برای مقابله باتوطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع بسرکردگی امپریالیسم امریکا، متحد شوند. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۵۸/۳/۵

اخبار کارگری

تحصن کارکنان هتل بین‌المللی

کارکنان هتل بین‌المللی، به عنوان اعتراض به اخراج خود، برای دومین بار از روز ۲۹ اردیبهشت ماه دست به تحصن زدند. اخراج کارکنان بدنبال تعطیل هتل انجام شده است. متحصنین ضمن تقاضای گشایش دوباره هتل، خواستار بزرگداشت بهس کارهای سابق خود شده‌اند. آنها همچنین پاک‌سازی هتل از عناصر ضد کارگری و وابسته به کارفرما، افزایش حقوق‌ها و پرداخت هرچه سریع‌تر حقوق و مزایای عقب‌افتاده خویش را در یک بیانیه ۵ ماده‌ای گنجانده‌اند.

مهلت ۱۰ روزه کارگران شهرداری

رانندگان و کارگران شهرداری تهران، به عنوان اعتراض به حذف اضافه‌کاری خود، از شب گذشته در محوطه شهرداری بست نشستند. کارگران از تخلیه زیاده‌هایی که از سطح شهر جمع‌آوری کرده بودند، خودداری کردند. مسئولان شهرداری و وزارت کار پس از بررسی‌ها درخواست کارگران متحصن، ۱۰ روز مهلت اعلام کردند تا به این تقاضا پاسخ گویند و کارگران تاکید کردند، در صورتیکه پس از مهلت مقرر همچنان از پرداخت اضافه‌کار آنها خودداری شود، دوباره دست به تحصن و اعتصاب خواهند زد.

اعتصاب کارکنان اتوبوسرانی آبادان

کارکنان اتوبوسرانی آبادان، به عنوان اعتراض به شرایط کار خود، از روز ۳۱ اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند. کارکنان اعتصابی در نامه‌ای که برای شهردار آبادان فرستاده‌اند، خواسته‌های خود را به این شرح ذکر کرده‌اند:

- تغییر تاریخ صدور احکام و اجرای آن از زمان تاسیس اتوبوسرانی آبادان،
- پرداخت ۱۵۰۰ ریال کمک بعنوان کرایه مسکن،
- ادغام کارگزینی اتوبوسرانی آبادان در شهرداری،
- افزایش دستمزد روزانه،
- عضویت در شرکت تعاونی مسکن شهرداری،
- استفاده از یک وعده غذای رایگان در روز،
- افزایش مرخصی سالانه از ۱۲ روز به ۲۵ روز،
- پرداخت ۷۵۰۰ ریال در ماه و ساختن استراحتگاه در ابتدا و انتهای خطوط اتوبوسرانی.

اجتماع کارگران در مقابل استانداری شیراز

کارگران کارگاه اسفالت سازی فروش، واقع در جاده کفترک شیراز، روز ۲۶ اردیبهشت ماه، برای گرفتن حقوق عقب‌افتاده خود در مقابل استانداری شیراز اجتماع کردند.

کارگاه فروش از جمله مراکزی بود که در جریان انقلاب، همراه بادیگر مراکز و محل‌های بهایی نشین یا متعلق به بهایی‌ها به آتش کشیده شد. در نتیجه از آن هنگام تاکنون، کارگران این کارگاه، که قریب به صد نفر هستند، بیکار شده‌اند. صاحب کارگاه در جریان انقلاب فرار کرده و اکنون امور آن را پدرش بعهده دارد، که سعی می‌کند کارگران را عامل حریق معرفی کند و این تلاش مذبحخانه مورد اعتراض جدی کارگران است که می‌گویند «کارگر محل کارش را آتش نمی‌زند» یکی از کارگران می‌گفت: -

صاحب کارگاه در جریان ماهیابی که کار جریان داشت، از آنها حق بیمه کسر می‌کرده، اما اقدامی جهت بیمه کردن کارگران بعمل نیاورده است.

کارگران کارخانه ماشین‌سازی پارس (اهواز) خواهان ملی کردن کارخانه هستند

از کارخانه ماشین‌سازی پارس، در اهواز، گزارشی رسیده، مبنی بر اینکه در حدود شش هزار نفر از کارگران ماشین‌سازی پارس (وابسته به صنایع فولاد)، به علت عدم دریافت حقوق فروردین ماه و اضافه حقوق سال قبل دست به اعتصاب زده‌اند. گروهی از کارگران مبلغی بیش از ۳۷۰ هزار تومان از فروش لوازم زندگی خود جمع‌آوری کرده‌اند تا به کارگران اعتصابی از این راه کمک مالی کنند. نمایندگان کارگران تا کنون با اداره کار، کارفرما و نمایندگان ستاد کارگری امام در اهواز مذاکراتی کرده‌اند، اما هنوز نتیجه‌ای نگرفته‌اند. نمایندگان کارگران اعتصابی در نشستی که با نمایندگان کارفرما و ستاد کارگری امام در اهواز داشته‌اند، ضمن دفاع از حقوق کارگران، خواستار ملی شدن واحد صنعتی ماشین‌سازی پارس شده‌اند.

کارگری ستوال می‌کند: چرا از پخش نشریات حزب توده ایران در کارخانه ایران جلوگیری می‌شود؟

رفیق کارگری از کارخانه ایران کف رشت بما چنین مینویسد: با درود فراوان! من کارگر ساده‌ای هستم که در کارخانه ایران کف رشت کار می‌کنم. چون شمارا حزب خودم می‌دانم، لازم دیدم برای شما نامه بنویسم:

در کارخانه ما از پخش نشریات و اعلامیه‌های کمونیستی چه از سازمان فدائیان خلق و چه از حزب توده ایران، جلوگیری می‌کنند و فقط پخش نشریه‌ها و اعلامیه‌های اسلامی آزاد گردیده است. البته ما کارگران اسلام‌ها نمی‌کنیم و در روزنامه مردم شماره ۱۲،

شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه، زیر عنوان «حزب توده ایران و مذهب» مقاله‌ای انتشار یافته، که کاملاً نظر مارا منسکس می‌کند. حزب توده ایران حزب طبقه کارگر است و کارگرانی که مذهبی هم هستند، می‌توانند عضو این حزب بشوند. برای من چنین سئوالی مطرح است: چرا باید از نشریات حزب توده ایران که مدافع منافع کارگران و پرچمدار مبارزه علیه استعمار است، جلوگیری شود؟

تحصن کارگران شرکت انترپوز

صدها تن از کارگران شرکت «انترپوز» که از مدتها پیش اخراج شده‌اند، با خواست دریافت حقوق، در محل ساختمان مرکز این شرکت در خیابان آناهتول-فرانس (خیابان شرقی دانشگاه تهران) تحصن شدند. کارگران اخراجی، در زمان اشتغال، در بخش جوشکاری خط لوله‌کاری کردند و اکثر آن‌ها کارگران فنی و متخصص‌اند. شرکت «انترپوز» یک شرکت مختلط فرانسوی - ایرانی است.

در کنفرانس استانداران

بقیه از صفحه ۱

ریزی در اتاقهای در بسته در مرکز، اشتباهی است که در دوران گذشته نیز می‌شد. استاندار آذربایجان شرقی اعلام می‌کند: «بودجه فعلی که تنظیم شده محافظه کارانه‌تر از بودجه قبلی است، موجب هیچ تغییر انقلابی نخواهد شد، حال آنکه مردم انقلاب کرده و تغییر می‌خواهند».

استاندار گیلان ضمن تشریح مواد دست و پاگیر حکومت قبلی، که در حال حاضر نیز مانع انجام کارهای انقلابی است، می‌گوید: «فواقی و مواردی که از طرف استانداران پیش‌بینی می‌شود، معمولاً مورد توجه سازمان برنامه قرار نمی‌گیرد».

استاندار آذربایجان شرقی جای دیگر می‌گوید: «وزارت صنایع و معادن باید یک خط مشی کلی در زمینه کارخانه‌های دولتی و خصوصی ارائه دهد».

استاندار چهارمحال و بختیاری می‌پرسد: «شما با سرمایه‌داران چه می‌خواهید بکنید، چرا برای پرداخت حقوق کارگران از وجود آنها استفاده نمی‌شود، چرا سرمایه‌داران را مجبور یاین نوع پرداخت نمی‌کنید؟ سپس اضافه می‌کند: «دولت باید سیاست خود را در زمینه صنایع و معادن و زمین روشن کرده و بما بگوید تا بتوانیم راه حل‌های پیشنهادی خود را ادامه دهیم».

استاندار خراسان تاکید می‌کند: «اگر بطور قاطع عمل شود و به استانداران اختیار کافی داده شود، خواهید دید که چگونه مشکلات حل می‌شود و سپس هشدار میدهد: «وقتی با مردم از قسط و برابری سخن می‌گوئیم، مادامکه جامعه ما در استعمار شدید است، آنرا فریب ندهیم... در حال حاضر غارتگران این مملکت را رباخواران سرپا هستند. ما ساواکی‌ها را اعدام می‌کنیم، ولی ساواک باز سر جای خودش باقی است. ثروت و این پول غارت شده از ملت را باید غارتگران گرفت» و «تکلیف انقلاب را باید بایک اجتهاد انقلابی ردیف کرد».

ثروت‌های زیاد جامعه را به فساد و تبذیر و فحشا میکشاند و این درآمد است که ساواک ساز است. اگر باز اجازه داده شود زیر چتر جمهوری اسلامی این ثروتها انباشته بماند، باید فاتحه انقلاب و قسط و عدل اسلامی را خواند».

و اما کسانی که مسئولیت مستقیم حل این مسائل و پاسخ به آنها را دارند، چه می‌گویند؟ وزیر کار و امور اجتماعی معتقد است که «پیش از آنکه نمایندگان ملت تکلیف مالکیت را تعیین کنند، نمیتوانیم سیاست قاطعی داشته باشیم».

وزیر صنایع و معادن می‌افزاید: «باید منتظر قانون اساسی بود که تکلیف مالکیت را روشن کند».

و بالاخره وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه، آب پاکی روی دست همه استانداران میریزد و می‌گوید: «بجای آنکه دست کمک پسوی دولت دراز کنید، از مردم کمک بخواهید و اگر بدولت اعتماد دارید، از خودتان مایه بگذارید» (!!!).

از اینجاست که استاندار سیستان و بلوچستان اشک در چشم ناله می‌کند: «ما قبل از این کنفرانس باید حمایت از تهران خوشحال بودیم، لیکن در آخرین روز کنفرانس من اعلام می‌کنم که حتی دل و جرات خود را برای ادامه کار از دست داده‌ام».

با در نظر گرفتن این واقعیت‌های تلخ است که معاون وزارت کشور، که ریاست جلسات کنفرانس را بعهده داشت، اعلام می‌دارد: «انقلاب فرهنگ خودش را می‌خواهد، اگر انقلابی اتفاق افتاده، که افتاده، باید قوانین، زبان، فرهنگ و معیارهای مربوط به انقلاب داشته باشد».

در حالیکه می‌بینیم همان زبان، معیار و روش گذشته است که اعمال می‌شود. در جلساتی که گذشت و وزیران مربوطه به مسائل مختلف در آن شرکت کردند، هر کدام محدود قدرت خودشان را کوچک و کوچک کردند. ربما توصیه کردند که با چشم‌گیریان به جوانان بگوئیم که نداریم... نباید در اتاقهای در بسته بدون اطلاع برای نقاط مختلف تصمیم‌گیری کرد... با روشی که اتخاذ شده بزودی از میزان محبوبیت دولت کاسته شده... از مقررات گذشته که کار را به فاجعه کشاند باید چشم پوشید... از دستگاه دیوان‌سالاری شما هیچ کاری بر نیاید. سازمان برنامه و سایر وزارتخانه‌ها هیچیک مشخصه خاص شرایط انقلاب را ندارند».

انقلاب ایران، انقلابی بود علیه امپریالیسم و علیه رژیم استبدادی. امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن عواملی بودند که مانع پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کشور ما بودند. برای تامین این پیشرفت باید تمام نهادها و مظاهر سلطه امپریالیسم و استبداد را از میان برداشت. هرگونه چشم‌پوشی و اغماض، سامحه و گذشت در این امر مهم، انقلاب را به بی‌ثمری و سترونی خواهد کشاند. پیگیری و قاطعیت در ریشه کن کردن تمام نهادها و مظاهر رژیم که مانند تنه درختی بر افتاده، ولی هنوز ریشه کن نشده، عمده‌ترین و مهم‌ترین وظیفه یک دولت واقعا انقلابی است.

دولت موقت آقای بازرگان با ستند اینکه این دولت، یک دولت انتقالی است، از اقدام قاطع علیه بقایای سلطه امپریالیسم و آثار و بازمانده‌های رژیم سابق خودداری می‌کند. همانطور که در کنفرانس استانداران منسکس شد، قوانین و اصول و موازین و ضوابط دوران رژیم بر افتاده پهلوی، که مانع گسترش ابتکار و اقدام انقلابی است، هنوز دست و پا می‌بندد. این دولت از اقدام علیه سرمایه‌داران خائنی که سالها مردم ایران را غارت کرده و اکنون با میلیونها و میلیاردها ثروت نامشروع خود به دامن اربابان خود در خارج پناه برده‌اند، به پناه اینک مسئله مالکیت را قانون اساسی جدید باید حل کند، خودداری می‌ورزد. ولی، اگر هم بتوان گفت که برای حل مسئله مالکیت بطور کلی، باید منتظر تصویب قانون اساسی جدید شد، این مسئله هیچ ارتباطی با «مالکیت» مثنی غارتگر و خائن فراری ندارد. مگر دادگاههای انقلاب برای مصادره «اموال» شاه و القاتیان و خرم و نظایر این جانان غارتگر، بر پایه قوانین و ضوابط دوران پهلوی عمل می‌کنند و و یا منتظر قانون اساسی جدید هستند؟ شکفت آنکه دولت موقت نه تنها علیه این سرمایه‌داران اقدام نمی‌کند، بلکه نقش نامیون قیومیت آنان را نیز بعهده می‌گیرد و چه بسا دادگاههای انقلاب را، به علت پیگیری و قاطعیت‌شان، مستقیم و غیرمستقیم زیر فشار و مورد سرزنش قرار میدهد. معلوم نیست این دولت موقت که هنوز قوانین و ضوابط دوران پهلوی را، چه در امور سیاسی و چه در امور اجتماعی و اقتصادی، بقوت خود باقی می‌داند، بر سر کار آمدن خود را چگونه توجیه می‌کند؟

دولت انقلابی از آنجهت موقت و انتقالی نیست که باید ادامه دهنده سیاست‌ها و شیوه‌های رژیم سرنگون شده باشد، بلکه از آنجهت انتقالی است که باید با ایجاد شرایط عینی و ذهنی، راه را برای دوران پیشرفت، بر پایه بنیان‌ها و اصول و قوانین انقلابی جدید هموار سازد، و این کار جز از راه زیر پا گذاردن معیارهای کهنه و فرسوده رژیم سابق میسر نیست. آقای بازرگان، که در حساس‌ترین

لحظات تاریخ، سکان کشتی درهم‌شکسته ایران را بدست گرفته، نباید از دم و کیف مشکلات و راه حل، آنها اطلاع کافی نداشته باشد و کارها را به «امان» خدای بشارد، واگردد و واقع چنین است، حق نداشت که این مسئولیت بزرگ و سرنوشت‌ساز را بعهده بگیرد. آقای بازرگان، یا به علت این بی‌اطلاعی و به علت عدم توانایی، برنامه سنجیده و حساب‌شده‌ای برای ایجاد تحولات انقلابی در ایران ندارد. و این از کسی که سالها در مبارزه شرکت داشته و داعیه شرکت در رهبری جنبش و انقلاب را نیز دارد و یا لاقل خود را لایق و مشول تحقق آرمان‌های انقلاب میدانند، کاملاً بعید و شگفت نظر میرسد.

کنفرانس استانداران بار دیگر نشان داد که تامین پیشرفت سریع و همه‌جانبه کشور، تامین منافع مردم ایران، بخصوص توده زحمتکش، بدون یک مبارزه پیگیر و قاطع با امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی، بدون یک برنامه سنجیده علمی، بدون شرکت فعال توده وسیع، بدون بهره‌گیری از نظریات و برنامه‌های مثبت و سازنده تمام نیروهای راستین انقلاب کاری است که، اگر محال نباشد، لاقل بسیار دشوار است. حزب توده ایران، تنها سازمان سیاسی است که برای دوران سازندگی انقلاب نیز برنامه مشخصی برای تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تنظیم کرده و بصورت پیشنهاد در معرض افکار عمومی و تمام سازمان‌ها و احزاب سیاسی گذارده است. حزب توده ایران برای بررسی هر پیشنهاد و برنامه‌های دیگری، که بتواند پایه‌ای برای همکاری در جنبه متحد نیروهای خلق باشد، همیشه آماده بوده و هست.

پوزش و تصحیح

در شماره ۱۶ «مردم»، در پخش «رویدادهای ایران»، در انعکاس خبر مربوط به «مراسم سالگرد شهادت روزیه در بوشهر» اشتباهی رخ داده است که، با پوزش، بدینوسیله تصحیح می‌شود: در خبر گفته شده است که در آخر برنامه، به سئوالات مطروحه از سوی شرکت کنندگان بوسیله دکتر زرکن پاسخ داده شد، که متأسفانه این قسمت برنامه به علت حرکت یک‌عده اخلال‌گر، بقصد برهم زدن مراسم، به طرف محل برگزاری مراسم، نیمه‌کاره متوقف گردید».

خبر دقیق اینست که از کمیته به سازماندهندگان مراسم اطلاع دادند که بیم حمله از جانب عده‌ای می‌رود و باید مراسم را تمام کنید. به اینجهت مراسم نیمه‌کاره متوقف گردید، ولی مزاحمتی از جانب کسی انجام نگرفت.

* خواهش از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه‌های گوناگون برای «مردم» خبر می‌فرستند، که موجب تشکر فراوان است. «مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده می‌کند. ولی متأسفانه تاکنون چند مورد پیدا شده، که خبرها دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» جز تکیه به این اطمینان و اعتماد، امکان دیگری برای کنترل خبرها ندارد، و از آنجا که «مردم» روزنامه‌ای است مشول و صاحب نفوذ و اعتبار، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب خواهش می‌کنیم که در کسب و تهیه خبر دقت کامل مبذول دارند تا هم خبر بدرستی منعکس گردد و هم مسئولیت، نفوذ و اعتبار «مردم» محفوظ بماند. با سپاس «مردم»

بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم امریکا دشمن...

امپریالیسم امریکا دشمن... با وجود این، متأسفانه دولت موقت بجای لغو این قراردادها و افشای ماهیت آنها، بجای اتخاذ تصمیمات قاطع و جدی برای ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم، به مسامحه و دفع الوقت می پردازد. علاوه بر این از جانب مقامات رسمی دولت کوششهایی بعمل می آید که حساب دولت امریکا و سیاست امپریالیسم امریکا نسبت به تحولات انقلابی در ایران از حساب سنای امریکا و سردمداران امپریالیستی امریکا از هم جدا شود.

این کوششها را چگونه میتوان توجیه نمود؟ از کودتای ۲۸ مرداد و در سراسر دوران پس از آن تا سرنگونی رژیم دست نشانده امریکا و پیروزی انقلاب مردم ایران، امپریالیسم امریکا علیه استقلال کشور ما اقدام نموده و ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای دمکراتیک خلقهای میهن ما را بوسیله مستشاران و جاسوسان امریکائی و مزدوران ایرانی خود پایمال نموده است، تظاهرات و راهپیماییهای مردم ایران در دوران انقلاب بدستور مستقیم و طبق نقشه های دولت امریکا بجا نیاوردند.

امپریالیسم امریکا و دولت نماینده آن در تمام شکنجه ها و قتل هزاران تن از میهن پرستان و کشتارهای جمعی در خیابانها و مساجد و معابر شهرهای کشور ما شرکت مستقیم داشته است.

کارتی رئیس جمهوری امریکا تا آخرین لحظه واژگونی رژیم مزدور شاه مخلوع، بطور رسمی ازین رژیم پشتیبانی میکرد. این جنایات و مداخلات علنی دولت امریکا را به حساب چه کسی باید گذارد؟

اتخاذ موضع مبهم و سازشکارانه از جانب مقامات رسمی دولت موقت، در برابر سیاست تجاوزکارانه صریح و گستاخانه امپریالیسم امریکا که در تمام سطوح و جوانب علیه استقلال ملی، تمامیت ارضی ایران و حقوق و آزادیهای دمکراتیک خلقهای ایران معطوف بوده و هست، دستاوردهای انقلاب ایران را که به بهای فداکاریهای حماسه آمیز و خون هزاران فرزندان این آب و خاک بدست آمده، با خطراتی جدی روبرو میسازد. علت چیست که نسبت به اقدامات توطئه گرانه و تحریک آمیز امپریالیسم امریکا روشی صریح و قاطع اتخاذ نمیشود و کوشش میشود روابط و برخورد امپریالیسم امریکانیت به انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران وارونه جلوه داده شود؟ توصیف صریح و روشن امام خمینی ازین روابط که گفته اند،

«روابط ما با امریکا روابط یک مظلوم با ظالم است، روابط یک غارت شده با غارتگر است، برای تردید و تزلزل و سازشکاری در مبارزه قاطع و پیگیر با امپریالیسم امریکا، جایی باقی نماند.»

قابل توجه اعضای سابق، هواداران و دوستان حزب توده ایران

بدین وسیله از اعضای سابق حزب توده ایران، که همچنان به آرمان خود وفادار مانده اند، ولی به علل مختلف در گذشته تماس حزبی نداشته اند و تا کنون نیز نتوانسته اند با حزب تماس برقرار کنند، خواهشمندیم هر چه زودتر به دفتر «مردم» مراجعه کنند تا به وضع حزبی آنها رسیدگی شود.

از هواداران و دوستان حزب نیز، که یا می خواهند به عضویت حزب در آیند و یا مایل به کمک های گوناگون به حزب باشند، خواهشمندیم برای بحث و مشورت در این زمینه به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

باسپاس دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱
روز جمعه ...

ضد انقلاب خرنده

ضد انقلاب یعنی چه؟ اسلوب کارش کدام است؟ چگونه باید با آن مقابله کرد؟

۱- ضد انقلاب یعنی چه؟

وقتی میگوئیم «ضد انقلاب»، منظور ما اتحاد ارتجاع ایرانی و امپریالیسم جهانی است. رژیم پهلوی سرکوب شده، ولی پایه اداری - اجتماعی این رژیم باقی است. پایه اداری آن (و در مرکز آن «نیروهای تزیینی») و پایه اجتماعی آن (و در مرکز آن سرمایه داری بزرگ وابسته به انصارهای امپریالیستی)، هنوز در جامعه ما فعال است. بخشی از این پایه، همراه ارباب، کوچیده است ولی بخشی در درون جامعه، پامنتل روزهای مساعدتری است یا بصورت گروههای مفتن، توطئه گر، هراس افکن، یاغی و تروریست و شایعه پرداز، بصورت افرادی که جامعه عوض کرده و در صفوف نیروهای انقلابی رخنه یافته اند، فنانند. امید روزهای خوشتر را اذدل بیرون نکرده اند. به تأییدات ارباب امپریالیستی خود چشم امید دوخته اند.

باین نیرو ابدأ و اصلاً نباید کم بها داد.

اما منظور ما از امپریالیسم جهانی، در درجه اول امپریالیستهای امریکا و انگلیس و سرویسهای جاسوسی آنها (سیا) و انتلجنس سرویس (دست نشانده گان آنها در منطقه (اسرائیل و مصر) و سازمانهای جاسوسی وابسته به آنهاست (مانند موساد - سازمان جاسوسی ماهر و خطرناک اسرائیل) شبکه عمل امپریالیستی در ایران وسیع است. آنها در کشور ما دهها سازمان «پوشیده» داشتند، که امروز نیز به حیات خود ادامه میدهند. آنها از قرآن گرفته تا کاپیتال مارکس را مایلتند بخدمت هدف های پلید خود قرار میدهند.

ما این دو «نیرو» وحدت عمل و هدف حکمرواست و در زیر «رهبری ارکستر» واحد امپریالیسم امریکا، این نیروها در صحنه جهانی (از صحنه مطبوعات و مجالس بین المللی مانند سنای امریکا گرفته تا صحنه داخلی) به صد زبان و شیوه، با هزاران چهره و جامه، عمل می کنند و در عین تنوع عظیم شکل عمل، محتوای کار همه اشان یکی است، عقیم گذاردن انقلاب - از گرداندن قدرت ارتجاع و امپریالیسم، در ایران، به شکلی که مناسب با اهداف آنها باشد؛ در یک کلمه، بازگرداندن «بهشت گمشده».

۲- اسلوب کار ضد انقلاب

اسلوب کار ضد انقلاب بطور عمده در چهار عرصه است:

الف) کوشش برای ایجاد آشفتگی و فلج اقتصادی و قحط و غلا. بدین منظور عمال آن، گاه تحت عناوین و بهانه های ظاهر فریب، تلاش عظیمی بکار می برند تا چرخهای اداری و صنعتی کشاورزی یا کند بگردد، یا بالمره بپایستد. انقلاب و لوزها و لوزله ها و مشکل های ناشی از آن، برای این نوع بهانه سازیهای فریبنده، هزاران دستاویز مساعد ایجاد می کنند. تمطیل کارخانه ها، بستن مغازه ها، کوچ اقتصادی، خارج کردن سرمایه ها، بایکوت معاملات، ایجاد محیط کم کاری و بیکاری در مؤسسات و غیره، اقداماتی است که ضد انقلاب یا مستقیم و یا غیر مستقیم، بدان دست می یازد و سپس خود آنها را وسیله «هو کردن» انقلاب قرار میدهد.

ب) کوشش برای بوهیم زدن نظم و امنیت در شهرها و راههای کشور. شایعه پراکنی و هراس افکنی برای ایجاد نگرانی و وحشت، بدین منظور با ندهای مسلح ضد انقلابی، تروریست ها، راهزنانی (از نوع پالیزبان) مشغول فعالیتند. هدف آنست که همه فکر کنند، «بارفتن شاه، امنیت از کشور رخت بر بسته است» لذا نتیجه بگیرند: «ای کاش وضع سابق برگردد»

ج) کوشش برای ایجاد تفرقه سیاسی و ایده فوژیک عمیق بین گروهها و مسیر این تفرقه بسوی مقابله های خصومت آمیز تاحد درگیری و اگر بتوان

(که برای رسیدن بآن رهبران سیا و انتلجنس سرویس حاضرند در همه کلیساها دعای خیر کنند!) انداختن سران انقلاب بجان یکدیگر بقصد محو یکدیگر. «سیا» و «انتلجنس سرویس» در مکانیسم ایجاد نفاق و اختلاف استادند، یکی از شیوه های این سازمان های دوزخی را میتوان شیوه «بزرگسازای تراکمی» نامید، منظور آنست که بین دو طرفی که باید نفاق ایجاد شود، از رخدادها و گفتارها و نوشتارهای قابل بهره برداری، با بزرگ کردن آنها بلافاصله بهره برداری شود و با عتراکم کردن تدریجی این رویدادها، ابتدا فضای «سوءفاهم» و سپس «سوءظن» و سپس «عدم اعتماد» و آنگاه «خصومت» و سرانجام «درگیری خصمانه» ایجاد گردد. سیا و انتلجنس سرویس مطمئن اند پس از آن دیگر چرخ جهنمی عداوت خود بخود خواهد چرخید و کار ما به چرخش خانما نسوز خود را خود پدید خواهد آورد و احتیاجی به فرد ثالثی نیست!

د) کوشش برای ایجاد نفاق بین خلقها و ملیت های مختلف ایران.

حوادث سنج و گنبد کاووس و نقده، آثاری است از این کوشش. در میان آذربایجانها، کردها، بلوچها، ترکمن ها و عربها این کوشش ادامه دارد. یکی از اسالیب مهم نفاق در این زمینه، که سرویسهای جاسوسی امپریالیستی در آن استادند، آنست که عمال آنها، در موضع گیریها و قطب های متقابل نشسته اند و بدست هم بهانه میدهند. یکی بهانه میدهد و آن دیگری بهانه را «بل» می گیرد. او بنوبه خود با این بل گرفتن، بهانه میدهد و طرف اولی بل می گیرد. مثلاً یکی در محافل دولتی یا روحانی حرفی میزند، عملی می کند که اگر مقلدانه نباشد، لاقلاً ناسنجیده است. یکمرتبه می بیند فریاد غضبناک طرف مقابل، که خود را چریحه دار می شمرد، برمی خیزد، ای چه بسا که «رهبر ارکستر» در مورد هر دو طرف یکی است. (گاه خودشان هم نمیدانند و طعمه معصوم با زبانه های پس پرده قرار می گیرند. لذا صحبت بر سر نیت نیست، بلکه صحبت بر سر نتیجه عمل است.) این اسلوب نیز چیزی است نظیر اسلوب «تراکمی»، که در بالا از آن یاد کردیم. اسلوبی است همانند بازی «دستشده» ایرانی. بقول مثل معروف، «کسه داریم آرگوارگ، تویر کنی من پرترک».

۳- وظایف نیروهای انقلابی

اگر آنچه در بند اول و دوم این گفتار گفته ایم درست است، پس نیروهای انقلابی، اعم از طرفداران «بیش توحیدی» و جامعه قسط اسلامی، «طرفداران راه مصدق»، «مجاهدین خلق»، «چریک های فدائی خلق»، «اعضاء حزب توده ایران» مطبوعات و جمعیت ها و سندیکاهای مختلف روشنفکری، کارگری، کارمندی، جمعیت های دهقانی و دیگر نیروهای که در این انقلاب زید دخل و ذبنقند، باید چشمهای خود را باز و با زتر و بازهم بازتر کنند. اگر انقلاب شکست بخورد، کسی از ما در این میان برنده نیست. اگر فرصت از دست برود، پشیمانی دیر است.

با سر نوشت انقلاب، یعنی سر نوشت انسانها و مبارزان انقلابی، نمی توان خیره سرانه و بر اساس خودخواهی گروهی و تنگ نظری و ندانم کاری و گزگز فتن ها و پیشی جستن های خودخواهانه و نفاق و تقارر گروهی، بازی کرد. همانطور که حزب توده ایران بی خستگی تکرار می کند، باید توانست مقابل افکار و نظریات را (که در مرحله کنونی انقلاب ناگزیر است) باروشی انجام داد که به دشمن مشترک، به ضد انقلاب میدان ندهد. باید وحدت صفوف انقلابی را در زمینه هدف اساسی انقلاب و در عمل اساسی جنبش به هر قیمتی که هست حفظ کرد. این است وظیفه عمده! این وظیفه ابدأ مانع استقلال احزاب و گروهها و مطبوعات و آزادی آنها نیست، آزادی و استقلال مسئول و هوشیارانه سازمانها در عین حفظ همبستگی و شور و توافق جمعی آنها. هر اسلوبی جز این فاجعه انگیز است.

پرسشها و پاسخها

چند تن از دوستان دربارۀ «قرضه ملی» که در زمان حکومت ملی دکتر محمد مصدق انجام شد و روش حزب توده ایران که به آن نپیوست سوال کرده اند. البته جملات و طرز پرسش متفاوت است، ولی مضمون همان موضع حزب دربارۀ سر اقدام دولت مصدق به اخذ قرضه ملی است.

موقعیکه «قرضه ملی» توسط دکتر مصدق، اعلام شد، حزب توده ایران به آن نپیوست و این یک عمل اشتباه آمیز بود. در حالی که در واقع خود حزب قبل از آن، مبتکر جمع آوری کمک و قرضه ملی بود. در این باره توضیح می دهیم. در ماه های اول سال ۱۳۳۰، هنگامی که دولت ملی دکتر مصدق در نبرد با شرکت نفت انگلیس و دولت انگلستان، درگیر گرفتاریهای مالی بود، این نخست حزب توده بود که کارگران و سایر مردم را برای دادن کمک مالی به دولت بسیج می کرد و زمینه برای آن که یک همکاری وسیع به وجود آید و دکتر مصدق با قرضه ملی، به صورت تظاهر یک همبستگی عمومی علیه استعمار موافقت کند، فراهم می شد. اول حزب شروع به جمع آوری اعانه کرد و به ویژه در بین کارگران، حزب ما پیشنهاد همکاری داد و جریان کم کم، علی رغم خصامی ها و پیشداوری ها و ارزیابی های نادرست، به سوی وحدت عمل می رفت، و این درست همان چیزی بود که می توانست کابوس مرگ امپریالیسم باشد، اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی در درجه اول توده ای و مصدقی، اما امپریالیست ها و عمال آنها، که در جامعه و در درون دولت بیکار ننشسته بودند، درست به همین جا ضربه زدند. یعنی با ترتیب دادن خونریزی ۲۳ تیر ۱۳۳۰، پل - هائی را که در حال ساخته شدن بودند شکستند و با اقدام تحریک آمیز خود و ایجاد خصمانیت سوء تفاهم، رشته هائی را که می رفت به هم پیوند داده شود، از هم گسستند. در آن روزهای متری و ضد استعماری و در رأس آنها حزب توده ایران، تظاهراتی را علیه دسایس ایالات متحده آمریکا سازمان داده بودند که به دستور سرلشکر زاهدی، وزیر کشور در دولت مصدق، همان زاهدی که سپس کودتا کرد، این تظاهرات بخون کشیده شد و وضع بسیار وخیمی ایجاد گردید. دامنه سوء تفاهم، سوء تفاهات و ارزیابی غلط بالا گرفت. نیرو هائی که میبایست متحد عمل کنند، در واقع به دام فتنه انگیزان افتادند و در مقابل هم قرار گرفتند. به این

انتقاد وارد است که در آن موقع بین دو جناح درون دولت و درون جبهه ملی، جناح ملی و ضد امپریالیستی، که دکتر مصدق رهبری آنرا داشت، و جناح مزدور امپریالیسم و خرابکار، که زاهدی عامل آن، در درون دولت و بقائیه ها در خارج بودند، تفاوت قائل نشدیم. زمینه های چپ روی موجود در حزب توسط این حادثه تقویت شد. از آن طرف نیز حملات و بدگویی ها و افتراها به حزب ماحدث یافت. در این دوران است که قرضه ملی اعلام شد و حزب، بنا به همان ارزیابی اشتباه آمیز، در این مورد نیز نتوانست موضع درستی اتخاذ کند، اگر چه خودش قبلاً پیشقدم و پیشنهاد دهنده آن بود. این دوران بعداً و به ویژه پس از رویدادهای ۳۰ تیر سال بعد و توطئه کودتای ۹ اسفند ۱۳۳۱ به تدریج پایان یافت و حزب نتوانست بر ناپختگی و داوری غلط غلبه کند و روش درست حمایت کامل از کلیه اقدامات ضد امپریالیستی و ملی دولت دکتر مصدق را در پیش گیرد. نمونه های آن فراوان و عالی تریشان شرکت در فرآیند بود. این وقایع تنها اهمیت تاریخی ندارد، بلکه دارای اهمیت عملی روزنیز هست. حزب ما از تجربه تاریخ گذشته می آموزد و می گوشت نادرست ترین روش و سیاست را که به اتحاد کلیه نیروهای ضد

رویدادهای جهان

* اسرائیل و همدستانش همچنان تجاوز می کنند

خبرگزاری فلسطینی «دوفا» اعلام کرد که عصر روز دوشنبه توپخانه سنگین اسرائیل و راست گرایان مسیحی لبنان اردوگاه فلسطینی ها را در رشیدیه و حومه آن زیر آتش گرفتند.

چریک های فلسطینی نیز متذکر شدند که همزمان با بمباران اردوگاه آوارگان رشیدیه یکی از دهکده های مجاور جنوب لبنان نیز زیر آتش توپخانه مرزی اسرائیل قرار گرفت. در بیانه فرماندهی عالی سازمان آزادی بخش فلسطین آمده است که راست گرایان مسیحی لبنان زیر حمایت اسرائیل، در بمباران رشیدیه و رأس العین (در جنوب بندر صور) مشارکت داشتند.

خبر نگاران مستقر در جنوب لبنان گزارش دادند که شبه نظامیان محافظه کار مسیحی دهکده حسیه در ناحیه جنوب شرقی لبنان و همچنین دهکده رشایه الفخار را زیر آتش گرفتند و جمعی را مجروح ساختند. و در این میان توپخانه اسرائیل منطقه نبطیه، مقر ستاد نیروهای فلسطین و ترقی خواه را در جنوب لبنان گلوله باران کردند. به گزارش همین خبر نگاران، نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد از بیم نفوذ نیروهای اسرائیلی به ناحیه عرقوب به حال آماده باش درآمدند.

* افکار عمومی محکوم می کند

روزنامه پرآوا ارگان حزب کمونیست شوروی تجاوزات اسرائیل را محکوم کرد و نوشت که رژیم صهیونیست این کشور با حمایت از آدمکشان سرگردانده غیر نظامیان مسلح مسیحی، در جنوب لبنان نائره جنگ اعلام نشده ای را در این کشور افروخته است. پرآوا همچنین تحریکات اسرائیل را علیه واحدهای سازمان ملل (در جنوب لبنان) محکوم کرد و اعلام داشت که تجاوز اسرائیل علیه لبنان، پس از انعقاد پیمان به اصطلاح صلح مصر و اسرائیل شدت یافته است.

گوستاو هوساک رئیس جمهوری چکسلواکی، هنگام دیدار اخیر خود از دمشق تجاوزات اسرائیل را محکوم کرد و اعلام داشت که انتقاد پیمان صلح میان مصر و اسرائیل کار نیل به یک راه حل همه جانبه را برای مسئله خاور میانه دشوارتر کرده و اوضاع را بنرنج تر ساخته است. رئیس جمهوری چکسلواکی تأکید کرد که تنها راه تأمین صلح در خاور میانه، خروج کامل اسرائیل از سرزمین های عربی و قبول حق تأسیس یک دولت مستقل از طرف فلسطینی هاست.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، کشورهای عرب و جهان سوم خواستار اخراج اسرائیل از سازمان بهداشت جهانی شدند و اعلام کردند که این کشور دست به اقدامات غیر انسانی زده است. در پیش نویس قطعنامه ای که از طرف این سازمان انتشار یافت، تصریح شد که رژیم صهیونیست اسرائیل در زندان های این کشور با اعراب ظالمانه رفتار می کند.

در قطعنامه ای که از طرف جمهوری سوسیالیستی ویتنام، افغانستان، آنگولا، لائوس، گینه و چاد مورد حمایت قرار گرفت، تأکید شد که حق دادن رأی و دریافت کمک از سازمان بهداشت جهانی از اسرائیل سلب شود.

سرشت انسانی و عادلانه روابط کشورهای سوسیالیستی با دولت ها و ملل عرب و حمایت مداوم آنها از مبارزه ملت های عرب با تجاوزات و استیلاجویی های رژیم صهیونیست اسرائیل، در مطبوعات سوریه مورد بحث و تأیید قرار گرفت. روزنامه البعث پشتیبانی مداوم را که چکسلواکی از لحاظ نظامی، اقتصادی و سیاسی نسبت به سوریه ابراز داشته است، ستود و درباره دیدار اخیر گوستاو هوساک از دمشق نوشت که ملت سوریه هیچ گاه فراموش نخواهد کرد که چکسلواکی از سال ۱۹۵۶ اسلحه در اختیار سوریه گذاشته است تا این کشور قدرت لازم برای مبارزه با اشغالگران صهیونیست را داشته باشد. البعث همچنین از روش تأیید آمیز رهبران چکسلواکی نسبت به امر اعراب از جمله آرمان فلسطین ابراز خوشنودی کرد.

الثوره، روزنامه دیگری نیز که در سوریه چاپ می شود، حمایت کشورهای اردوگاه سوسیالیستی را از بیکار عادلانه اعراب با صهیونیسم و امپریالیسم ستود. در ملاقاتی که میان سفیر اتحاد شوروی در کویت و معاون وزیر امور خارجه این کشور انجام گرفت اوضاع سیاسی خاور میانه در پی انتقاد پیمان به اصطلاح صلح اسرائیل و مصر مورد بررسی قرار گرفت.

سفیر شوروی در پایتخت این ملاقات و گفتگو اعلام کرد که اختلاف اعراب و اسرائیل فقط به ابتکار سازمان ملل متحد و با مشارکت و حضور همه جناح های ذی ربط با بحران خاور میانه قابل رفع تواند بود.

امپریالیستی کمک کند و در حال حاضر ضد انقلاب را در لباس گوناگون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی سرکوب سازد. اتخاذ نماید. وظیفه همه مبارزان صدیق است که از تجربیات مثبت و منفی گذشته برای انتخاب درست ترین راه استفاده کنند.

بند دوست عزیز فرخ زاده، پرسش شما درباره آنتی کمونیسم رسیده است. شماره ۱۵ «مردم» را بخوانید.

بند دوستی که پرسشهای در باره غلط های چاپی کرده اید، یادداشت بی امضای شمار سید حق با شجاعت. اغلاط چاپی متأسفانه زیاد و گاه فاحش است و متأسفانه هنوز امکان عملی رفع همه اشتباهات چاپی را به رغم آن که دوستان همه گونه کوشش را انجام میدهند، نداریم. البته جرایم دیگری عاری از اشتباهات چاپی نیستند، ولی این البته توجهی نیست. به خصوص همانطور که شما نوشته اید، داستان پیراهن عثمان کردن هر کلمه نیز از جانب کسانی که سوء نیت دارند یا دنبال بهانه می گردند مطرح است. البته ما به کوشش خود ادامه خواهیم داد.

بند دوست عزیز م. همرا، نامه شما رسید. پیشنهاد شما درباره تصرف اموال کلیه اموات به نفع اجتماع پیشنهاد درستی نیست. مالکیت شخصی افراد بر روی اشیاء

و متعلقات خود که جنبه مصرفی و استفاده شخصی و خانوادگی دارند حتی در پیشرفته ترین جوامع سوسیالیستی کاملاً محترم است و کسی آنها را ضبط نمی کند یعنی حق به اوست. باقی است. البته آنچه که گفتیم در مورد مالکیت شخصی بر آن گونه اموال و اشیاء است. نفع اجتماع را در جای دیگر باید جستجو کرد. آنچه که باید بر افندها مالکیت خصوصی بر وسایل تولید است که خود ریشه و وسیله استثمار فردی از افراد دیگر است که در مرحله دیگری از تکامل جامعه ما مطرح خواهد شد.

پیشنهادهای دیگر شما درباره تأمین کودکان حق به کاروبیمه بیکاری و بیمه بیماری برای همگان کاملاً درست است و یک دولت متکی بخلق باید این برنامه را عملی سازد و ما در این راه خواهیم کوشید.

پیشنهاد آخر شما در مورد تصویبات حداقل درست است ولی تا عالی ترین مدارج دیگر وابسته است به استعداد و توانائی هر جوان و ذوق و تمایل او. به نظر ما وسیله آموزش و پرورش باید بر اینگان و بطور مساوی در دسترس همگان باشد و هیچ نوع سد مانع طبقاتی و خانوادگی و شغلی و منطقه ای نباید جلوی ادامه تحصیل را بگیرد که آن نیز مطابق با نفع جامعه و طبق بر نامه همه جانبه ای تنظیم باید گردد.

*... رژیم سادات مخالفان این خیانت را سر کوبی می کند تا س، خبرگزاری شوروی، با استناد به نوشته روزنامه الوطن، چاپ کویت، گزارش داد که مقامات مصر دست اندر کار ایداء و بازداشت مخالفان پیمان صلح جداگانه رژیم سادات با اسرائیل هستند. الوطن نوشت که بسیاری از مخالفان هم اکنون در زندان بسر می برند، به گزارش این روزنامه موج مخالفت با اعضای این سند ننگ و خیانت سراسر مصر را فرا گرفته است.

* تجاوزات و زشت کاری های دولت های نژاد پرست در زیر چتر حمایتی امپریالیسم

یان اسمیت نخست وزیر نژاد پرست رودزیا اعلام کرد که توصیه سنای امریکا (همان سنا که اعدام سردمداران جنایتکار رژیم خون آشام را به «اتفاق آراء» محکوم کرد) به جیمی کارتر در مورد لغو مجازات اقتصادی علیه رودزیا خبر بسیار مسرت بخشی برای «مردم» این کشور است.

اسمیت که از تشابه عقیدتی میان خودش و سناتورهای امریکایی به وجد آمده است، آنها را مورد تطف و دلجویی قرار داد و گفت: «سناتورهای امریکایی مردانی اصولی هستند و سرحرف خود می ایستند» لکن ... سازمان بهداشت جهانی از دبیر کل این سازمان خواست تا تمام روابط خود را با دولت جدید رودزیا به ریاست استقف ابل موزوروا قطع کند و جبهه میهن پرست رژیم بوه و کشورهای خط مقدم جنوب آفریقا را مورد حمایت و تأیید قرار دهد.

هفتاد و شش کشور عضو سازمان بهداشت جهانی در قطعنامه ای از امریکا طلب کردند که هر گونه همکاری با ابل موزوروا را قطع کند. انگلیس، امریکا و کشورهای عضو با از هم شترک اروپا از جمله سی و دو کشوری بودند که از دادن رأی به زبان رژیم رودزیا امتناع کردند.

سخنگوی چریک های جبهه میهن پرست رودزیا گفت که دولت رودزیا تا اکنون بیش از سیصد هزار نفر مزدور استخدام کرده است که اکثریت آنها امریکایی، انگلیسی، فرانسوی، اسرائیلی، برتغالی و از اتباع آلمان فدرال هستند (از کشورهای طرفدار «حقوق بشر»).

آفریقای جنوبی نیز که در کشف حمایت طرفداران غربی حقوق بشر، قرار دارد، در هر دو دقیقه یک سیاه پوست مبارز را به بهانه به اصطلاح «نقض مقررات منع عبور و مرور» محبوس می سازد. در سال گذشته پلیس آفریقای جنوبی حدود ۲۸۰ هزار نفر را در شهرهای این کشور بازداشت کرد و ۱۷ هزار نفر را به زندان فرستاد.

جمهوری آنگولا اعلام کرد که ارتش آفریقای جنوبی در مرزهای مشترک آنگولا و نامی بیا به لشکر کشی زمینی و هوایی دست زده است و مستمسک این تجاوز به اصطلاح مقابله آفریقای جنوبی با چریک های سواپوست است.

اتحاد شوروی با رد دیگر همبستگی خود را با پیکارهای مردم نامی بیا در راه تحصیل استقلال اعلام داشت و تأکید ورزید که به مردم این سرزمین در راه نیل به آرمان هایشان هر گونه کمک ضرور را خواهد کرد.

دولت شوروی در اعلامیه صادره در پایان اجلاس کمیسیون سازمان ملل در باره نامی بیا، که در مسکو تشکیل شده بود، تصریح کرد که رژیم آفریقای جنوبی بر اقدامات خشونت آمیز خود علیه جنبش حق طلبانه مردم نامی بیا که در راه تحصیل استقلال خود مبارزه می کند، افزوده است.

اتحاد شوروی همچنین رژیم نژاد پرست رودزیا را محکوم کرد و در این اعلامیه متذکر شد که این رژیم برای سرکوبی جنبش سازمان خلق آفریقای جنوب غربی، علاوه بر تهاجم مستقیم علیه مبارزان این جنبش، کشورهای همجوار نامی بیا را نیز مورد حمله و تجاوز قرار می دهد و بدین وسیله صلح و امنیت بین المللی را به مخاطره می افکند.

اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی

بقیه از صفحه ۱

سنای امریکا در امور داخلی ایران و در حمایت از عمال و گماشتگان سپاهکار امپریالیسم امریکا، که اینک عدالت انقلابی خلق میهن ما، بدست دادگاههای انقلابی، که مظهر خواست مردم ایران اند، آنها را بدست مجازات میسپارد. یگانه هدف تظاهراتی که در این دوروز انجام شد، امپریالیسم امریکا، سنای امریکا و اداره کنندگان دستگاه دولتی تجاوزکار و مداخله گر امریکا بود. در این چنین وضعی و این چنین شرایطی، هر گونه حرف و عملی که خدشهای بر این اساس وارد سازد، مردم را در مورد شناخت دشمن اصلی سردرگم کند و شعار اصلی نابودی این دشمن را، در مواردی حتی تحت الشعاع شعارهائی که کوچکترین ارتباطی با این موضوع اساسی ندارد قرار دهد، تمبیایست و نمیتوانست مجاز باشد. اما این اصل درست و اساسی در عمل از طرف بعضی گروهها مراعات نشد، و نه فقط مراعات نشد، بلکه تلاشهای از طرف آنها بعمل آمد که تظاهرات مزبور را از مسیر اصلی خود منحرف سازند و کاری کنند که هدف اصلی درین برخی آشفته کاریها گم شود و دوست از دشمن باز شناخته نگردد.

مشاهده شد که برخی از این گروهها کوشیدند تا تظاهرات ضد امریکائی را به «تظاهرات ضد کمونیستی» و «ضد توده ای» و «ضد شوروی» بدل کنند و بحق میتوان گفت که درین کسانی که کوشیدند، مسیر اصلی تظاهرات را تغییر دهند و هدف اصلی را از مسیر ضربت بر کنار نگه دارند، عوامل ساواکی، سرسپردگان سیا و عمال مائوئیسم کم نبودند. ما در اینجا با این عوامل خرابکار که عالماً و عامداً در این راه کوشیدند، کاری نداریم. روی سخن ما در اینجا با آن عده افراد با حسن نیت است که نادانسته در دام این شعارهای نادرست و زیان بخش می افتند. و حرف اول ما اینست که چرا اجازه داده میشود که در روزی که بعنوان تظاهر آزاده عمومی همه مردم علیه دخالت گستاخانه امریکا در امور ایران است، کسانی امکان نفاق افکنی پیدا کنند، کسانی مجال بیابند که حتی لحظه ای مردم را از توجه به دشمن اصلی بازدارند؟

ما نمیخواهیم و برسر آن نیستیم که حق اظهار نظر آزاد را در تمام سطوح سیاسی و اجتماعی رد کنیم. برعکس ما خواستار تأمین این حق هستیم. ولی در موردی که پای دخالت استقلال شکنانه امپریالیسم امریکا در میان است، در موردی که باید تمام نیروها علیه این دشمن اصلی بسیج شود، گروهی و دسته ای تلاش میکنند، تظاهرات خلق ما را از مسیر اصلی واصل خود منحرف سازند و دشمن اصلی را از زیر ضربه کنار بکشند. باید تصدیق کرد که ما حق داریم در حسن نیت باینان این روش ناهنجار سوءنظن پیدا کنیم و آنرا بدترین و مومذبانانه ترین شکل و راه نفاق افکنی بشمار آوریم.

منابع شوروی درباره ایران چه می نویسند؟

نبرد قهرمانانه خلق های ایران تحسین و علاقه خلق های کشورهای همسایه بزرگ شمالی ما را نسبت به خود جلب کرده و افکار عمومی اتحاد شوروی، به اشکال مختلف، همبستگی خود را با جمهوری ما و علاقه مندی خود را به تحکیم روابط دوستانه با ایران و پیروزی نهائی انقلاب ایران نشان میدهد «مردم» خلاصه مقاله ایسراکه خبرگزاری شوروی نووستی زیر عنوان «بدر دشمنی می افشاند»، منتشر ساخته و همچنین مقاله ای از روزنامه پرآوا ارگان مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را از نظر خوانندگان خود می گذراند،

سقوط رژیم سلطنتی در ایران به صورت یکی از رویدادهای مهم بین المللی دوران اخیر درآمده است. درباره انقلاب ملی در این کشور، دستاوردها و دشواری های آن، پیوسته بزرگترین روزنامه های جهان قلمفرسایی می کنند، به ویژه مسئله مناسبات بین ملیت ها دقت وافر را بخود جلب می کند.

شاه مخلوع، ماهرانه اختلافات ملی و مذهبی خلق ها و قبایل ساکن ایران را به بازی می گرفت و از سیاست کهنه و آزموده استعمارگران انگلیس-تفرقه انداز و حکومت کن. استفاده می نمود. در عمل، این سیاست را کارکنان سرویس ساواک (پلیس مخفی شاه)، که با سازمان مرکزی جاسوسی امریکا (سیا) پیوند بسیار محکمی داشتند، پیاده می کردند.

انقلاب، طومار نظام شاهنشاهی را در هم زد. سرودید. ساواک منحل شد. مستشاران کثیری، نماینده امریکائی خاک ایران را ترک کردند. اما مسائل بین ملیت ها، که از دوران شاه سابق باقی مانده، با تمام جدت خود در انبیا می سازد. خبرهای اضطراب آوری از مناطق کردنشین و ترکمن نشین ایران می رسد. دوباره صدای تیراندازی شنیده می شود. بمب ها منفجر می گردند و افراد بیگناه کشته می شوند. تنها در شهر نته در عرض ۶ روز حدود ۵۰۰ نفر کشته شدند.

البته مشکلاتی عینی وجود دارد، که طی مدت کوتاه نمی توان آن ها را برطرف خود، ولی بسیاری از ناظران به کرات حدس زدند که این مشکلات، ماهرانه از طرف عمال سیا، که در میان شان کم نیستند ساواک هایی که از دست انتقام مردم مخفی شده اند، مورد استفاده قرار می گیرد.

هدف سیاسی عمال امریکائیست که، تمامیت ارضی ایران را قطعه قطعه کنند و از این راه آن را ناتوان و متلاشی سازند. هدف اقتصادی آنها اعاده کنترل

بر نفت ایران است. سخن بر سر آنست که ذخایر عمده نفت در اراضی مسکونی اقلیت های ملی نهفته، و در صورت تاسیس چند دولت مجزا، امریکا خواهد توانست مواضع اقتصادی خود را در این منطقه احیاء نماید.

در رابطه با این موضوع، گزارش هفته نامه لبنانی «الکفاح العربی» شایان توجه است. به قرار اطلاع این هفته نامه تماس دائمی بین نمایندگان مسئول امریکا و رهبران عسایر بلوچ برقرار است. بخصوص نام لیسارد- دبیر اول سفارت امریکا در اسلام آباد، که به عنوان کارمند سیا شهرت دارد، برده می شود. وی چندی پیش از مناطق بلوچ نشین ایران و پاکستان دیدن کرد. هفته نامه می نویسد، «به احتمال قوی این تماس ها در چهارچوب نقشه امریکایی بر تاسیس کشور مستقل بلوچستان بحساب اراضی دو کشور نامبرده صورت می گیرد. ناگفته نماند که اراضی این منطقه، طبق پیش بینی کارشناسان امریکائی، از لحاظ ذخایر نفت و گاز، فلزات و مواد معدنی مختلف بسیار غنی است.»

خبرگزاری مطبوعاتی شوروی «نووستی» در پایان مینویسد: «تمام این گزارشها پارادیکر فعالیت ناهنجار سیا در ایران را فاش می کند، فعالیتی که گاهی بپشمانه با کارزار تبلیغاتی «دست مسکوک» پرده پوشی میشود. ولی مردم ایران و رهبران جدید آن ها، به روشنی می بینند که، دست چه کسی بسوی گدوی انقلاب ملی دراز می شود.»

روزنامه پرآوا، ارگان مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز مقاله ای دارد زیر عنوان «دسایس ارتجاع که در آن منجمد چنین می نویسند،

«اغلب اوقات نه خود واقعه، بلکه آنچه به دنبال آن اتفاق می افتد حقیقت ماجرا را آشکار می سازد. ترور اخیر آیت الله مطهری، روحانی برجسته ایران و طرفدار نزدیک آیت الله خمینی ضربه ایست بر ضد خود انقلاب، که رژیم ضد مردمی و مستبدانه شاه راسنگون کرده است. این سوء قصد نشان میدهد که مبارزه بین گذشته و حال در ایران خاتمه نیافته است.

مسئولیت ترور آیت الله مطهری را گروه زیرزمینی «فرقان» به عهده گرفته است، که بسیاری از نکات فعالیت سیاسی آن در پرده ای از مه فرورفته است.

در عین حال اظهار عقیده می شود که شمارهای بظاهر مذهبی و دموکراتیک دروغین «فرقان»، برای پرده پوشی عناصر طرفدار شاه، از جمله افسران و کارمندان ساواک مورد استفاده قرار می گیرد. آنها

می خواهند با کمک عملیات تروریستی و تحریک بر خورد های مسلحانه در نواحی محل اقامت اقلیت های ملی و با ایجاد اختلال در حیات اقتصادی کشور، محیط عدم ثبات و عدم اطمینان به وجود آورند. هدف از سوء قصد به مطهری و قره نئی نه تنها متزلزل ساختن مواضع آیت الله خمینی، بلکه در درجه اول نفاق افکنی و رودر رو قراردادن نیروهای انقلابی کشور، ایجاد بحران عمیق سیاسی و حتی دامن زدن به جنگ داخلی است.

تمامی نیروهای واقعا دموکراتیک ایران بشدت این جنایات را توجیه نمودند. حزب توده ایران ترور آیت الله مطهری را جزئی از توطئه جنایتکارانه امپریالیسم و عمال آن بر ضد انقلاب ایران نامید. حزب توده ایران دعوت نمود که کلیه نیروهای انقلابی ایران در قبال دسایس ارتجاع وحدت عمل را تقویت بخشند. سایر احزاب و سازمان های دست چپی ایران بشدت ترور آیت الله مطهری را محکوم کردند و بحق یاد آور شدند که مفسران ترور قره نئی و مطهری را باید در میان نیروهای ضد انقلاب و ملهمین امپریالیست آنها جستجو کرد.

با وجود روش بارز نیروهای دموکراتیک و با وجود حقایق و جزئیاتی که اخیراً برملا شده است، بعضی از محافل ایران این ترورهای سیاسی را بهانه ای برای گسترش تبلیغات وسیع بر ضد جناح چپ انقلاب قرار داده اند.

اظهارات آیت الله خمینی در خصوص اینکه عملیات تروریستی اخیر کار عناصر دست راستی است و کوشش برای نسبت دادن این عملیات به محافل دیگر تحریک محض است، از این نقطه نظر شایان توجه است.»

پرآوا در خاتمه مینویسد، «دشمنان ایران نو، روی نفاق و تیزه گریه های انقلابی حساب می کنند و بیش از هر چیز از وحدت صفوف انقلاب وحشت دارند.»

جمهوری جوان ایران دوران دشواری را می گذراند. مردم این کشور، که سرنوشت خود را بدست گرفته اند، مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و ملی دشواری را حل می کنند. جمهوری اسلامی ایران در این دوره از استقرار خود، هرگز مانند امروز احتیاج به همکاری پایدار و مناسبات دوستانه با همسایگان خود نداشته است. اتحاد شوروی که نسبت به مبارزه مردم ایران در راه تاهین منافع و حقوق دموکراتیک و استقلال واقعی علاقه عمیقی دارد، به همسایه خود ایران پیشنهاد دوستی و همکاری میدهد و خواستار حل و فصل هر چه زودتر مسائل داخلی آن و رفاه و صلح و شکفتگی تمامی مردم ایران است.»

توضیح دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اخیرا لیست گروهی از ماموران و همکاران ساواک در مطبوعات، گویا از طرف مقامات دولتی منتشر شده است. در این لیست، که گفته میشود انگیزه انتشار آن تصفیه و پاکسازی مطبوعات است. از جمله یکی از رفقای ما، «هوشنگ اسدی»، بعنوان مامور ساواک معرفی شده است.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بدینوسیله اعلام میدارد که، هوشنگ اسدی عضو حزب توده ایران است و دبستور حزب و در انجام ماموریت محوله، از طریق شبکه مخفی حزب توده ایران به داخل ساواک رخنه کرده و در این رابطه موفق به خدمات موثری شده است.

دبیرخانه حزب توده ایران این توضیح را برای رفع هرگونه شبهه در مورد این رفیق مبارز ضرور میسرمد.

مواد مخدر - فلج کننده نسل جوان

نام مواد مخدر، و بخصوص هروئین، با نام اشرف پهلوی توأم است. در دوران حاکمیت این خاندان ننگین، تمام دادوستدهای هروئین و دیگر مواد مخدر در دست این زن فاسد متمرکز بود. قانون مجازات اعدام برای قاچاقچیان این مواد وجود داشت، اما این قانون تنها در مورد کسانی اعمال و اجرا میشد که بخود جرات میدادند تا در خارج ازباند وسیع تحت ریاست عالی اشرف و بطور مستقل عمل کنند.

باند قاچاق اشرف پهلوی در ترویج مواد مخدر، و بخصوص هروئین، دوهدف شیطانی را تعقیب میکرد: نخست تامین يك منبع درآمد سرشار، که هزینه بوالهوسی های اشرف و اطرافیان او را تامین میکرد. هدف دوم که مورد توجه تمامی دستگاه سلطنتی و دولتی بود، کشتن نسل جوان بفساد و تباهی و فلج کردن آن و بازداشتن آن از توجه بمسائل مملکتی و سیاسی بود.

رژیم ترور و اختناق بنوبه خود کمک میکرد که آن گروه از جوانان و مردان که نه مرد میدان مبارزه بودند و نه حاضر بودند تسلیم رژیم بشوند، خواه و ناخواه، برای تسکین اعصاب خود، باین مواد پناه ببرند و ساعاتی را بخيال خود در بی خبری بگذرانند. و این یکی از ضرب های کشنده روحی و معنوی بود که عالم او را عمداً و بنحوی حساب شده از طرف رژیم بر پیکر اجتماع ما فرود می آمد.

مردم قیام کردند، پایهای نظام استبدادی پهلوی و به همراه آن بنیان حکومت سلطنتی و از گون گردید و این کابوس مهیب از روی سینهی مردم برداشته شد و اشرف پهلوی، رئیس قاچاقچیان مواد مخدر، از ایران گریخت.

آن بساط ننگین و ضد مردمی سر تا پای از هم فروپاشید، ولی متأسفانه ریشه شوم اشرف و باند او بر جای ماند و میدان اینک بدست رقیبان اشرف افتاده، که بازار قاچاق و فروش این مواد را رواج دهند. قربانیان این عمل تبه کارانه و شیطانی باز هم نسل جوان و فعال ما است، که اگر در این تار عنکبوتی گرفتار شود، بکلی فلج و مبدل بمسوزان اجتماع ما میگردد.

این قاچاقچیان، که در حقیقت قاتلین قوه فمالهی نسل جوان ما هستند، برای عرضه کردن کالای زهر آگین خویش، در همه جا پخش هستند، در درون پارکها، در گوشه و کنار خیابانها، در بساط ظاهراً محقری که ماهه جا بر سر راه خود می بینیم، باین تجارت لعنتی ادامه می دهند.

نباید در این واقعیت تردید کرد که خطر رواج این مواد برای مردم همین ما دهها بار از خطر رواج مواد الکلی بیشتر است. باند خطرناکی که از رواج این متاع جهنمی سود میبرد، برای بدام کشیدن جوانان و سایر وسایل جهنمی تری دارد، که مورد استفاده قرار میدهد: گاه با تمارف يك سیگار و تقدیم يك گل، قربانی را بدام میکشد و طرف بدون اینکه غالباً خود متوجه باشد وقتی چشم باز میکند که خود را اسیر و مبتلا می بیند.

مبارزه ی بی امان علیه مواد مخدر يك وظیفه همگانی است. دولت بنوبه خود و مردم بجای خود. در حقیقت جای آن دارد که برای زدودن محیط اجتماع ما از باقیمانده کثافات این ارضیه شوم دوران طاغوتی، يك جهاد همگانی آغاز شود. مامورین دولتی باید مبارزه علیه این مواد را در دستور روز وظایف خود قرار دهند، مردم باید در مراقبت برای کشف این کانونهای فساد از خود هشیاری کافی نشان دهند. جوانان، که خود عمده ترین هدف ضرب این کانونها هستند، باید با همان شورا انقلابی، که دستگاه طاغوتی را برچیدند، علیه این یادگاری شوم ولنتی دستگاه هزبور، هشیارانه فعالیت و آنها را شناسائی کنند و بنست مامورین بشارند. اگر برخی اعمال زشت و انحرافی، که برای آنها مجازات اعدام اجرا و اعمال میگردد، جنبه انفرادی دارد، هرگونه ترویج و فروش و قاچاق این مواد زهر آگین، بجامعهی ما زیان میرساند و خبیثی است علیه اجتماع ما.

هرگ يك مبارز توده ای هنگام انجام وظیفه

ولی ما تلاش خستگی ناپذیرش را برای دستیابی به شناخت علمی از جامعه و مبارزه در راه تحقق آرمان های حزب، هرگز از یاد نمی بریم و همیشه یادش را گرامی می داریم و راهش را ادامه می دهیم.

رفیق مبارز شهلا پوریادگار، متولد ۸ خرداد ۱۳۳۸ هنگامی که با دنیای شور و شوق، اولین شماره «مردم» دوره جدید را برای رفقایش در اهواز به ارمان می آورد، در جاده تهران-اهواز در يك حادثه جانکاه رانندگی، با زندگی وداع گفت. آخرین ره آورد رفیق شهلا، با چند روز تاخیر، همراه با خبر مرگش، به رفقایش رسید.

این جوان توده ای، زندگیش چون زندگی همزمان زحمتکشش، سراسر با تلاش و رنج توأم بود. قبل از تولد، پدرش را، که يك نامه رسان بود، از دست داد. در شانزده سالگی به مطالعات علمی روی آورد و به علت هوش و قدرت درك فوق العاده اش توانست به سرعت خصلت های انقلابی را در خود پرورش دهد. در هفده سالگی با انتخاب مشی حزب توده ایران، به رفقای توده ای پیوست و از این زمان، تاهنگام مرك زودریش در خدمت آرمان مقدس حزب طراز نوین طبقه کارگر بود.

در شرایط اختناق، که به دست آوردن نشریات انقلابی حزب و همچنین تکثیر این نشریات دشوار بود، رفیق مبارز ما اکثر ساعات شبانه روز را صرف دستنویس کردن «نویده» و تراکت های حزب می نمود. رفقایش، در شرایط اختناق، همیشه در انتظار رسیدن شهلا از تهران بودند، چون او همراه خود «نویده» را به ارمان می آورد.

شهلا دیگر در میان رفقا نیست،



شهلا پوریادگار (۱۳۵۷ - ۱۳۳۸)

یادگارش زندگی و مبارزه اش گرامی باد یکی از رفقایش در سوک این جوان توده ای، ایات زیرین را سروده است:

گل سرخ صداقت دروغ و درد بر باد رفته است در پهن دشت خاطرها و یادها بهر رفیقان همرش جز ماتم گل سیاه چیزی نکشته است

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق